

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

تحلیل پیرامون ساختار الگوهای توزیع درآمد ملی بولدینگ، کالدور، رابینسون، ژانمارشال و

ژاک لوکایون

نویسنده: حسین عیوضلو

استاد راهنما: نورعلی نوری

استاد مشاور: مسعود درخشان، احمد فرجی دانا

سال تحصیلی: مرداد ۱۳۶۹

توصیفگر: ۳۴۲ ص . : جدول ، نمودار. شماره بازیابی ۶۱ الف.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد / الگوها / اقتصاد کلاسیک / بولدینگ ، کنت / کالدور ، نیکولاس / رابینسون ،

جون / مارشال ، ژان / لوکایون، ژاک

چکیده:

هدف از این پژوهش ، بررسی تحلیلی ساختار الگوهای توزیع درآمد ملی بولدینگ ، کالدور، رابینسون ، ژان مارشال و ژاک لوکایونا ست. تحقیق حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام یافته و مباحث آن در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول ، اختصاص به الگوهای توزیع درآمد ملی قبل از کینز دارد. در بخش دوم ، الگوهای توزیع درآمد ملی کینز و بعد از کینز مورد بررسی قرار میگیرد . نهایتاً بخش سوم به بررسی نقش گروههای شریک در توزیع درآمد ملی می پردازد.

یافته های تحقیق نشان میدهد ، الگوی بولدینگ ، به واسطه اینکه تحلیلی کوتاه مدت و ایستاست ودر چهارچوب درآمدهای دو قسمتی پرداخته شده است ، جامعیت لازم را ندارد و به واسطه عدم دخالت دادن تمامی بازیگران در صحنه توزیع ، توان تحلیل تغییرات ساختاری در درون الگوی خود را ندارد.

الگوی کالدور با دیدگاه کینزی اما با فرض اشتغال کامل تحلیل توزیع را در عین حال با الگوی عمومی مربوط به رشد در درازمدت عجین کرده است و نقش عمده ای در تحلیل دقیق و فنی توزیع داشته است. اما باز تحلیل وی به جهت دیدگاه ساده سازی که جهت نتیجه یابی های مشخص اتخاذ کرده از جامعیت برخوردار نیست و فروض غیر واقعی را در بر ندارد و نتایج حاصله با عینیات اقتصادی همخوانی ندارد.

الگوی رابینسون با الهام از نظریات هارود و تعمیم آندر چهارچوب کینز و کالکی ، رشد درازمدت و تئوری اشتغال را مد نظر قرار داده و به کاوش و بررسی تئوری کلاسیک و کلاسیک جدید در تئوری رشد و نتایج آن بر بحث توزیع می پردازد. بررسی وی از امتیاز ویژه ای برخوردار است و آن ، بررسی تغییرات ساختاری و بنیانی در اقتصادهای در حال رشد است و لذا تغییرات اهمیت نسبی گروهها را نتیجه گرفته و تحرک عوامل تولید را تأیید نموده است و عنصر بنیانی الگوی وی تحرک نیروی کار از بخشی به بخش دیگر است که بر تصمیمات سرمایه گذاری در توزیع سودها و مصرف موثر است.

مباحث ژان مارشال و ژاک لوکایون به تغییرات ساختاری ، اهمیت نسبی گروههای سهم بر و انواع مختلف آن پرداخته است و با الهام از واقعیت تحلیل " بعد از وقوع " ارائه نموده است و با قرار دادن "جامعه" به عنوان مبنای تحلیل ، خود را در حد فاصل بین تحلیل خرد و کلان اقتصادی قرار داده است و توانسته است تغییرات مکانیسمی را نشان دهد. همچنین توجه عمیقی به دورانهای تجاری و

پیوند مسأله رشد با توزیع نموده است. متغیر عمده در تحلیل آنها سودهای مورد انتظار است که در درون خود تمام مباحث ساختاری و مبارزات بازیگران صحنه توزیع درآمدها را جای داده است.

بررسی الگوهای فوق الذکر نشان میدهد که در الگوهای توزیع همه عوامل موثر مورد بررسی قرار نگرفته اند و علم اقتصاد موجود نیز توان بررسی همه عوامل مخصوصا عوامل غیر اقتصادی را در تحلیل ندارد و آنرا جزء وظایف خود نمی داند.